

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

لوموند دیپلماتیک

## مزدوران دولتی در افغانستان

### خصوصی سازی جنگ

نوشته Marie-Dominique CHARLIER

فروری 2010

وزارت دادگستری آمریکا تصمیم به تجدید نظر در رای دادگاه به آزادی ۵ نفر از اعضای شرکت نظامی خصوصی (اس.ام.پی) بلک واتر داده است که در سپتامبر سال ۲۰۰۷ به روی جمعیتی در بغداد آتش گشوده بود. این رای برانت، خشم فراوانی را در عراق برانگیخته بود و نمایانگر نقش ابهام آمیز این سازمانها بود که از این پس فعالیتشان در افغانستان افزایش یافته و در حال توسعه دادن استراتژی هایی مستقل برای سود آور کردن سرمایه گذاری هایشان میباشند.

نوزدهم اوت ۲۰۰۹، روزنامه نیویورک تایمز در مقاله ای فاش ساخت که سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) در سال ۲۰۰۴ کارمندان «بلک واتر» را در راستای برنامه ای سری و بمنظور تعقیب و از بین بردن روسای القاعده، به استخدام در آورده بود. طبق گزارش این روزنامه، چه مسئولین در راس امور آمریکایی و چه افرادی که از این قضیه کنار گذاشته شده بودند بر این عقیده بودند که این شرکت نظامی خصوصی بدلیل همکاری کردن در سازماندهی ماموریت های مراقبتی و جاسوسی، میلیونها دلار پول از سیا دریافت کرده است، بی آنکه این سری از عملیات منجر به دستگیری یا کشتن حتی یکی از شورشیان شود.

پس از جنجالی که منجر به زیر سوال رفتن نقش این سازمان در عراق شد، این سازمان نام خود را به «زی سرویسیز (Xe Services)» تغییر داد. در ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۷، ۵ نفر از افراد این سازمان که ماموریت حفاظت کاروانی از مقامات آمریکایی را بعهده داشتند متهم به آتش گشودن به روی جمعیت (عراقیان) شده و موجب کشته شدن ۱۴ نفر (بگفته مقامات آمریکایی) و یا ۱۷ نفر (طبق گزارش ماموران عراقی) شدند.

علیرغم این «لکه سیاه» و چندین مورد مشابه، این افراد که «پیمان کار» نامیده میشوند، از آن پس توجه خود را به افغانستان معطوف کرده و به تکرار فعالیتهای پیشین پرداختند: ۵ مه ۲۰۰۹، ۴ نفر از افراد «بلک واتر» (که تحت عنوان سازمان پاراوان فعالیت میکردند) به سوی خودرویی آتش گشوده و موجب مرگ یک تن و مجروح شدن چهارتن دیگر

شدند. علیرغم ابهام در قرارداد تعهداتشان، دو نفر از آنها در تاریخ ۷ ژانویه ۲۰۱۰ توسط دادگاهی آمریکایی متهم شناخته شدند.

## وضعیت حقوقی بسیار مبهم

سازمانهای نظامی خصوصی از زمان پیدایش شان در دهه نود (۱) تا به امروز توسعه چشمگیری داشته اند. این سازمانها با بازاری جهانی در حدود ۷۰ میلیارد یورو در سال نقش ویژه ای را در صحنه کشمکش های نظامی و اقتصادی ایفا میکنند. این تحول از کاهش شدید کارآیی ارتش آمریکا در پایان جنگ سرد و تصمیم وزیر دفاع وقت دونالد رامسفلد (۲۰۰۱-۲۰۰۶) مبنی بر توجیه استفاده از ابزار نظامی از طریق انتقال شمار فراوانی از مهارت های که مستقیماً نظامی محسوب نمیشدند به بخش خصوصی، سود برد. بدین ترتیب با دور زدن کنگره و اذهان عمومی مردم آمریکا، بکارگیری و استخدام سهل پرسنل برای عملیات مخفی تسهیل شد..

شمار برآورد این نیروهای نظامی خصوصی در افغانستان بین ۱۳۰ هزار تا ۱۶۰ هزار میباشد (۲)، که این کشور را به دومین صحنه حضور این نیروها پس از عراق تبدیل کرده است (۳)، هرچند که این موضوع میتواند ظرف مدت کوتاهی تغییر یابد: استقرار ۳۰ هزار سرباز کمکی جدید با ارسال پنجاه و شش هزار پیمانکار جدید همراه خواهد بود. این اعداد نمایانگر تقریباً دو سوم پرسنل مستقر پنتاگون در افغانستان میباشد- بالاترین درصد در تاریخ ایالات متحده.

شناخته شده ترین این سازمانها زی (بلک واتر)، دین کورپ، شرکت منابع نظامی حرفه ایی (MPRI) و کلوق براون و روت (۴) میباشدند که در شرکت Private Security Companies of Afghanistan ادغام شده اند. فعالیتهای آنها بخش قابل توجهی از وجوه اختصاص داده شده به بازسازی ارتش ملی افغانستان را بخود اختصاص میدهند.

اگر چه تصور بر آن است که آنها عاملی کمکی برای نیروهای ائتلافی و ارتش آمریکا میباشدند، با این وجود وضعیت حقوقی اشان بسیار مبهم است و و رای راه حل هایی که ارائه میکنند این علایق اقتصادی است که تعیین کننده اصلی گزینش هایشان در صحنه جنگ می باشد. در واقع نوعی همگرایی مالی مابین گروههای صنعتی آمریکایی و شرکتهای نظامی خصوصی وجود دارد چرا که اکثریت این شرکتهای در منطق متعارف اقتصادی خرید و ادغام که خصوصاً از سال ۲۰۰۱ متداول شد، خریداری شده اند.

علاوه بر این؛ ظهور این پیمانکاران با علاقه نظامیان آمریکا به تغییر شغل همزمان شد: ستاد اس.ام. پی. عموماً از افسران سابق تشکیل شده است و روابط ویژه و تنگاتنگی مابین افسران ارشد سابق آمریکایی که در این سازمانها کار میکنند و دنیای سیاست پنتاگون وجود دارد. چنین نزدیکی امکان دسترسی آنها به اطلاعات طبقه بندی شده را تسهیل کرده و موجب اطمینان خاطر آنها از مصونیت از مجازات میشود.

«مقصود ارتش آمریکا، بریتانیا و سایر کشورها از حضور در اینجا پیروزی در جنگ است، در حالیکه برای ما ادامه وضعیت امنیتی بد، بهتر است» «این را پیمانکاری بریتانیایی اخیراً عنوان کرده است (۵). امری که در مغایرت با ثبات و « افغانستان در صلح» است.

تعدد کارمند و حضور آنها در ستاد سازمانهای مرتبط و وجود ارتباطات بین المللی، سبب تاثیر گذاری این شرکتهای در تصمیم گیری های نظامی و خصوصاً عملیات ها شده است. همینطور میتوان به حضور کارکنان ام. پی. آر. آی در سطوح مختلف سلسله مراتبی « قوای بین المللی کمکی به امنیت ملی» (آیساف) و نیروهای امنیتی افغانستان اشاره کرد: مربیگری پرسنل و مقامات، تهیه پیش نویس آیین نامه ارتش ملی افغانستان در «گروه مشاوره آموزش ترکیبی (CTAG)»، آموزش مدیران در « مرکز آموزش نظامی کابل» و یا پرورش متخصصین.

با آگاهی کامل از صحنه کارزار در افغانستان و با در اختیار داشتن مأموریت هایی درازمدت (از دو تا چهار سال)، این شرکتهای تاریخچه ایی استثنایی از وضعیت این کشور را در اختیار دارند. این تجربه ارزشمند چیزیست که ستادهای مشترک که بندرت مأموریتی فراتر از شش ماه در منطقه دارند، نمیتوانند از آن صرف نظر کنند. این موضوع به آنها اجازه میدهد که به

هماهنگی، تنظیم و حتی ارتقا کار سایر شرکتهای نظامی خصوصی اقدام کرده و نظرات ستادهای مشترک را با خود همسو سازند.

بنابر منابع رسمی وزارت دفاع فرانسه، بودجه اختصاص یافته به ام.پی.آر.آی بمنظور تهیه پیش نویس آیین نامه نظامی ارتش افغانستان حدود ۲۰۰ میلیون دلار ( برابر ۱۴۰ میلیون یورو) بوده است و آموزش نیروهای ارتش ملی افغانستان ۱۸,۱ میلیارد یورو خرج در برداشته است. شرکتهای خصوصی نظامی هیچگونه بهره ای از ثبات در این کشور و اینکه ارتش ملی افغانستان به تنهایی کارآمد باشد، نمی برند: این موضوع از لزوم حضور نیروهای پیمانکار کاسته و بطور منطقی خلاف مصالح مالی آنها میباشد. پس آنها ترجیح میدهند که اطلاعات را برای خود محفوظ داشته و بیش از آنکه به سازمانهای افغانی رایزنی های سودمند ارائه دهند؛ نقش مکمل این سازمانها را ایفا کنند.

رئیس دفتر «آیین نامه» مقر فرماندهی آموزش ارتش ملی افغانستان (آن.آ.تی.سی)، ژنرال گلپهار خاطر نشان میسازد که هیچگونه تاریخ نهایی برای انتقال اختیار تهیه پیش نویس آیین نامه به نیروهای ملی در اختیار ندارد. او که ذینفع این قضیه است هیچگونه مخالفتی علیه این سرپرستی ندارد: سرهنگی که جانشین تیمسار شده میداند که هر گونه مخالفتی او را از کار بیکار میکند.

ام.پی.آر.آی انحصار مطلق تدوین آیین نامه ارتش افغانستان را در دست دارد و این میتواند کمک پایدار آنها را توجیه کند. از سویی دیگر این شرکت همبستگی خود را (با سایر شرکتهای مشابه) اینگونه نشان میدهد: در آیین نامه لجستیک ارتش ملی افغانستان ( که توسط ام.پی.آر.آی نگارش شده) از شرکت « دین کورپ » بعنوان سازمان مسئول حمایت از نیروی هوایی، بدون هیچگونه محدودیت و یا حدو حصر زمانی نام برده شده است!

کار « آموزش مهارتها» نیز تجارتي پرسود است. با طولانی کردن مدت زمان استخدام، آموزش و برسرکار گذاشتن ۸۰۰ معلم که بمنظور شرکت در برنامه مبارزه با بیسوادی ( برنامه سواد) ارتش ملی افغانستان بکار گرفته میشوند، این سازمانهای نظامی خصوصی راهی برای بازگشت پرسود سرمایه گذاری پیدا کرده اند. ظاهراً افزایش ظرفیت های تشکیلات داخلی ارتش افغانستان جزو ضرورتها محسوب نمیشوند....

همینطور در زمینه مسائل لجستیکی ارتش - که توسط شرکت آر.ام. ایژیا تامین می گردد - و از دیگر نقاط قوت انحصار طلبی شرکتهای نظامی خصوصی محسوب میشود: هیچگونه محدودیت زمانی برای آموزش تکنسین های افغانی اعمال نمیشود.

همچنین منافع مالی کمپانی هایی که چندین هزار نفر از این پیمانکاران را به استخدام در می آورند با منافع مالی آیساف متفاوت است: این سازمانها نه خواهان پیروزی ضرب العجل هستند و نه خواستار تغییر ناگهانی دستگاه اجرایی، چرا که آنها نیازمند اعمال قدرت در رخدادهای موجود و تغییر جهت دادن آنها -چنانچه جهت گیریهای اجرایی و استراتژیکی ایجاب کند- میباشند(۷).

در این راستا، آنها بزودی فرصت جدیدی برای تحکیم موقعیت خود می یابند. ژنرال انگلیسی Neil Baverstock که فرمانده گروه آموزشی سی.تی.ای.جی. مستقر در حوالی کابل است دستور راه اندازی واحدهای آموزشی ارتش توسط افراد بخش دولتی و یا خصوصی را صادر کرده است. این تحول میزان نیاز به مربیان را افزوده همچنین فرصت های جدیدی را برای این پیمان کاران که از قبل برنامه ریزی استفاده از تجربیات و راهکارهای عراق در خاک افغانستان را کرده بودند، بوجود می آورد.

### تأثیر مخرب برای مردم

بمنظور روشهای اجرایی برای کسب تجربه در ارتش ملی افغانستان، پیمانکاران جدید به استخدام در می آیند. این اطلاعات ارزشمند جمع آوری شده؛ چشم اندازی کلی از وضعیت موجود در افغانستان را بدست میدهد و فرصتی را برای آنها بوجود می آورد تا بتوانند موقعیت استراتژیک خود در چهارچوب نظریه پردازی را - همانند آموزش ارتش افغانستان- مستحکم تر سازند.

همانگونه که در عراق تجربه شد، «استخدام سرباز اجاره ای» مداخله نیروهای بین المللی را بی اعتبار میسازد. تنها گشت زدن با ماشین در خیابانهای کابل برای متقاعد شدن به این موضوع کافیست. تحریک آمیز و پرخاشگر، رفتار، نگرش و تجهیزات مورد استفاده بعضی از افراد اس.ام. پی، به کاریکاتور فیلم های سینمایی شباهت دارد. (۸)

طبق مشاهدات یکی از نمایندگان پارلمان افغانستان «مردم افغانستان سربازهای آیساف را از سربازهای اس.ام.پی تمایز نمیدهند». «این سردرگمی ساده با در نظر گرفتن رفتارخسونت آمیز جنگجویان شخصی نفعی برای نیروهای ائتلافی ندارد.»

چگونه میتوان مبارزه با جنبش شورشیان را توجیه کرد زمانیکه کشورهای مداخله گر که نمایندگان سازمان ملل محسوب میشوند، مزدورانی را اجیر میکنند که انگیزه اشان لزوما برقراری صلح نیست؟

سرانجام سوال نهایی مسئله اخلاقی (۹) و امنیت استفاده از این افراد است. رسوایی زندان ابوغریب، جایی که نیمی از بازجویان درگیر در قضیه و کلیه مترجمان، از شرکت سی.ای.سی.آی و تایتان استخدام شده بودند، نشان دهنده چاه عمیقی است که در برابر اخلاقیات کسب و کار سلاح وجود دارد. از آنجایی که شرکتهای نظامی خصوصی در چهارچوب قضایی نظامیان دولتی عمل نمیکند، تنها وجهه نظامیان آیساف را در مقابل مردم افغانستان خدشه دار میسازند. سوالی که بیش از همه در اینجا مطرح میشود امکان گذار برون سپاری خدمات به برون سپاری جنگ میباشد.

۱- نگاه کنید به سامی مکی در "Sociétés militaire privées dans le chaos irakien" و فرانسوا دومینگز در "La nébuleuse des mercenaires français" در لوموند دیپلوماتیک بترتیب در نوامبر ۲۰۰۴ و اگوست ۲۰۰۳.

۲- براساس مطالعه انجام شده توسط Congressional Research Service که Walter Pincus در مقاله ای در واشنگتن پست به آن اشاره کرد (۱۶ دسامبر ۲۰۰۹).

۳- در سال ۲۰۰۷، وزارت دفاع آمریکا از نیروی ۱۸۵ هزار سرباز "قراردادی" و ۱۶۰ هزار سرباز عادی در عراق سود جست.

۴- از توابع پیشین "هالی برتون".

۵ « Les mercenaires mettent le cap sur l'Afghanistan » Remy Ourdan, لوموند دیپلوماتیک، ۱۲ ژوئن ۲۰۰۹.

۶- MPRI که از توابع L-۳ Communications محسوب میشود، توسط ژنرال Carl Edward Vuono که رئیس سابق ستاد نیروی زمینی ارتش آمریکا در زمان جنگ اول خلیج فارس بوده است و ژنرال Harry Edward Soyster مدیر سابق تعلیمات نظامی، پایه گذاری شده است. این شرکت بیش از ۳۰۰ نفر از ژنرالهای پیشین را در استخدام دارد.

۷- فنون عملیاتی بخشی جدایی ناپذیر از فنون جنگی میباشد. آنها که جایگاهی میان استراتژی و تاکتیکهای نظامی دارند، تابع استراتژی و تعیین کننده ماموریتها، گرایشات و بسط تاکتیکها میباشد.

۸- شباهت به قهرمانان فیلمهای جنگی معاصر آزردهنده است، تصویری صادقانه از آرنولد شوارزنگر که بارها و بارها تکرار میشود.....

۹ -Jean-Réne Bachelet, Pour une éthique du métier des armes, Vuibert, Paris. 2006